



فصل چهارم

ادبیات پایداری

درس هشتم: در سایه سار نخل ولایت

گنج حکمت: دیوار عدل

درس نهم: غرّش شیران

شعرخوانی: باز این چه شورش است؟

ادبیات پایداری

مفهوم مقاومت، پایداری و دفاع، مفهومی عام در فرهنگ ملت‌هاست. این مفهوم کاملاً ارزش تلقی می‌شود زیرا یک واکنش غیرارادی در برابر تهاجم است. ادبیاتی که زاینده مفهوم مقاومت و پایداری است در حوزه محتوایی و موضوعی به خلق اثر دست می‌زند: توجه حقانیت، دعوت به مقاومت و توصیف فاجعه. بنابراین ادبیات پایداری به ادبیاتی گفته می‌شود که تحت تأثیر شرایط و اوضاعی مانند: نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، اختناق و استبداد داخلی، استعمار خارجی، تهاجم و دخالت بیگانگان، غصب سرمایه‌های اجتماعی و فردی و ... شکل می‌گیرد. این شرایط و اوضاع در تمامی حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ... به وجود می‌آید. طنز، هجو، هزل، حبسیه، نمایش نامه، داستان، سروده‌های روشنفکرانه و معترضان و ... همگی در حوزه ادبیات مقاومتی قرار می‌گیرند. در این بین، نویسندگان و شاعران، به عنوان سخنگوی مردم مظلوم و ستمدیده، اقدام به سرودن و نوشتن، از ظلم و ستم وارده به مردم می‌کنند.

ویژگی‌های ادبیات پایداری

۱- ترسیم چهره مظلوم و ستمدیده مردم: فقر، فساد، بی‌عدالتی و ... از جمله اثراتی است که یک حکومت غیرمردمی به اقشار مردم وارد می‌کند. یک شاعر و یا نویسنده ادبیات پایداری، به توصیف هنرمندانه زندگی سراسر درد و رنج مردم می‌پردازد.

۲- دعوت به مبارزه علیه ظلم و استبداد: با توجه به این که این ادبیات، از میان مردم محروم و مظلوم یک کشور سرچشمه می‌گیرد، سرسخت‌ترین ادبیات موجود است. به همین دلیل است که ادبیات پایداری در بسیاری از مواقع مردم از دعوت به مبارزه مسلحانه علیه حکومتی می‌کند، به امید آن که مردم رنج‌دیده از رنج‌ها رها شوند.

۳- بیان ظلم، جنایت و بی‌عدالتی حکومت: حکومت‌های غیرمردمی، تاب شنیدن صدای مردم خود را ندارند. به همین خاطر اقدام به قتل عام و سرکوب آزادی خواهان و مخالفان خود می‌کنند. «جبرا ابراهیم جبرا»، در کتاب خود در بیابان‌های تبعید این گونه می‌گوید: بهارهای پیاپی را در بیابان‌های تبعید می‌گذرانیم/ با عشق خود چه کنیم/ در حالی که چشمانمان پر از خاک و شب‌نم یخ‌زده است؟ ...

۴- امیدوار کردن مردم به پیروزی: شاعر و نویسنده در آثار هنری خود، با القای این عقیده که پیروزی خیر بر شر، حتمی است مردم را نسبت به آینده امیدوار می‌کنند. آینده‌ای که در آن ظلم و ستمی وجود نخواهد داشت و حق و عدالت جاری خواهد بود. مانند این شعر از «عدنان الضائع» شاعر عراقی:

کتاب‌های تاریخ را ورق می‌زنم/ انگستانم به خون آلوده می‌شوند هرگاه فصلی از سرگذشت خودکامه‌ای به اتمام رساندم/ نگهبانان به سوی فهرست سوقم دادند/ تا در آن جا از ترسم بلرزم/ ای زنرال‌ها/ ای ژنرال‌ها/ با رویاهایمان چه‌ها نکردید!/ با این همه چکمه/ از گردن‌هایمان می‌گذرید/ در حالی که ما هنوز/ برای خورشید دست تکان می‌دهیم.

۵- بزرگداشت مقام شهدا : در مبارزات مردمی بر علیه حکومت نامشروع، همیشه افرادی هستند که برای مردم، وطن و عدالت، جان خود را از دست می‌دهند. این شهدا در حقیقت نماد و الگوی جامعه هستند، افرادی که جان خود را فدا کرده‌اند و به این امید که سایر مردم از ظلم و ستم نجات یابند.

۶- ستایش آزادی و آزادگی : آرزوی آزادی‌خواهان، رهایی از ظلم و ستم و رسیدن به «آزادی» است، و این موضوع همان موضوع ادبیات پایداری است. آزادی‌خواهان، زندگی در برابر ظلم و ستم را نوعی ننگ و خفت می‌دانند و مرگ را گواراتر و شیرین‌تر از زندگی با خفت می‌دانند و بالاخره نیز در همین راه جان خود را از دست می‌دهند.

۷- ستایش سرزمین خود : شاعران و نویسندگان به خصوص آنهایی که در حبس یا تبعید هستند، به ستایش و ترسیم مبارزات مردم کشور و حتی نمادهای کشور، کوچه‌ها، خیابان‌ها، شهرها، کوه‌ها و ... می‌پردازند.

۸- طرح نمادهای اسطوره‌ای ملی و تاریخی : اسطوره‌ها و نمادها، پل ارتباط و پیوند گذشته و امروزاند. شاعران مصری فقط به اسطوره‌های عربی به خصوص در داستان‌های الف لیله و لیله (هزار و یک شب) توجه می‌کنند ولی شاعران دیگر مناطق عرب‌نشین، علاوه بر اسطوره‌های کهن عربی، به اسطوره‌های ملل مختلف نیز توجه می‌کنند.

ادبیات پایداری در اسلام :

نخستین سروده‌های ادبیات پایداری در اسلام، قصاید ابوطالب رضی الله عنه، در دفاع از پیامبر و شکنجه دیدگان اسلام و همچنین ستایش اسلام است. نخستین شعر از اسلام که در صحفه نبرد ثبت شده نیز متعلق به حمزه سیدالشهدا است. در سایر جنگ‌ها و غزوات افرادی به ستایش یاران پیامبر پرداختند که از آن جمله می‌توان به «حسان بن ثابت» اشاره کرد. بنا به روایت «ابن هشام»، پیامبر صلی الله علیه و آله این گونه سروده‌ها را می‌ستود.

سروده‌های زمان پیامبر صلی الله علیه و آله دارای درون‌مایه‌های زیر است :

۱ ایجاد روحیه در افراد برای مبارزه و پیروزی و امیدوار کردن آنها به فرارسیدن امداد الهی.

۲ معرفی مکتبی که پاسداری از آن، حتی به بهای مبارزه تا پای جان نیز ارزش دارد.

۳ شناساندن چهره پیامبر صلی الله علیه و آله

۴ ایجاد ضعف در سپاه دشمن.

۵ زنده نگه داشتن یاد شهدا و نمایان کردن ارزش شهادت.

۶ هجو دشمنان

ادبیات پایداری در زمان ائمه اطهار علیهم السلام :

زیباترین سروده‌های اسلامی را باید در اشعار و نوشته‌های عاشورایی جست‌وجو کرد. اشعاری که «یزد بن مفرغ» سرود از نمونه‌های بارز ادبیات پایداری عاشورایی است. به علاوه اینکه رجزهایی که خود امام حسین علیه السلام، به اقتضای حال و اوضاع می‌سرود نیز بسیار شورانگیز و ماندگار است: «الموت خیر من رکوب العار/ ولعار اولی من دخول النار»: مرگ بهتر از پذیرفتن ننگ است و پذیرفتن ننگ بهتر از قبول آتش. رجزهای کربلا که با رجزهای امام حسین علیه السلام و خواندن شعر «فروه بن مسیک» آغاز می‌شود، مجموعاً ۳۴ رجز است. این رجزها کوتاه ولی کوبنده و درگیرنده بر حق بودن راه مجاهدین اسلام در برابر سپاه ظلم و طاغوت است.

ادبیات مقاومت در ایران :

اولین نمونه ادبیات پایداری در ایران، مربوط به قرون اولیه اسلام و مربوط به نهضت شعوبیه است. فاتحان عرب، پس از مدتی مغرور شده و اصول و ارزش‌های اسلامی را شکستند. آنها اقدام به احیای فرهنگ نژاد پرستانه‌ای نمودند که در آن غیر از عرب، هیچ قوم و ملتی دیگر وجود نداشت و هیچ کدام از غیر عرب‌ها (عجم) را لایق فرمانروایی نمی‌دانستند. در این هنگام بود که ادبیات پایداری ایران به وجود آمد و شاعران و نویسندگان ایرانی با قدرت قلم خود، به مقابله در برابر استبداد خلفای اموی و عباسی پرداختند. نخستین شاعر ایرانی ادبیات پایداری، «اسماعیل بن یسار» است. وی از شاعران نهضت شعوبی است که در سال ۱۰۱ هجری در گذشته است. روزی ابن هشام قصیده‌ای خواند که در آن اصل خود را بزرگ، زبانش را همانند شمشیری تیز و برنده دانسته و به پادشاهانی مانند کسرا، شاپور و هرمزان افتخار کرده است. به خاطر سرودن این شعر، تا حد مرگ او را شکنجه و مدتی بعد او را تبعید نمودند. «بشار بن برد» از شاعران ایرانی است که علاوه بر قصاید عربی، سروده‌هایی در مقابله با استبداد خلفا و ستایش ایرانیان دارد. «فردوسی» نیز از بزرگ‌ترین شاعران ایرانی است که شاهنامه‌اش، نشان از تعصب او به فرهنگ و هویت ایرانی دارد.

حبسیه و ادب پایداری :

زمانی پیش می‌آید که یک شاعر در زندان محبوس می‌شود و در آن زندان، اشعاری را با سوز و آهی تمام می‌سراید. به این سروده‌ها «حبسیه» می‌گویند. معمولاً این سروده‌ها آمیزه‌ای از شکایت و انتقاد از اوضاع

جامعه است. شاعران زندانی ایرانی که حبسیه سروده‌اند، به دو دسته تقسیم می‌شوند :

۱ شاعرانی که به علت مخالفت با حکومت و مشکلات سیاسی، زندانی شده‌اند، مانند : مسعود سعد سلمان، خاقانی شروانی، فرخی یزدی، ملک الشعرا ی بهار، موسوی گرمارودی ...

۲ شاعرانی که با باورهای غالب مردم زمان خود، اختلاف داشتند. مانند : بابا افضل، شجاع کاشانی، حیاتی کاشانی و ...

ادبیات پایداری در دوران مشروطه :

بارزترین و پربرترین دوره ادبیات پایداری، ادبیات دوران مشروطه است. در این دوره داستان، شعر، تصنیف، نمایش نامه و ... به عنوان تنها ابزار برای مقابله با ظلم و ستم مورد استفاده جامعه ادبی کشور قرار می‌گرفت. سیل حرکت دانشجویان ایرانی به غرب و شرق و بازگشت آنها به کشور نیز از دلایل روشنفکری در این دوره است. روزنامه‌ها نیز از ابزارهای اصلی مقابله با ظلم در دوران مشروطه است که اشعار و نوشته‌های موجود در این روزنامه‌ها به زبان شوخی و طنز، اقدام به تمسخر وضعیت موجود کشور و بیان مشکلات مردم می‌کرد. از جمله روزنامه‌هایی که پیشگام ادبیات پایداری بود می‌توان به روزنامه «نسیم شمال» اشاره کرد. همچنین از نمونه‌های موفق دیگر ادبیات پایداری این دوره می‌توان به این موارد اشاره کرد : طنز موفق دهخدا با عنوان «چرند پرند» و با امضای دخو و کتاب‌های چون : «کتاب احمد»، «سفینه طالبی»، «شرح زندگانی من»، «مسالک المحسنین» و ...

ادبیات پایداری دوره پهلوی اول و دوم :

اختناق در دوره پهلوی اول و دوم در آثار شاعران و نویسندگان مشهود است. این اختناق به حدی بود که شاعران و نویسندگان مجبور شدند که با استفاده از نمادها، درد، ظلم و رنج خود و ملت را بیان کنند. این اوضاع تا سال‌های ۵۶ و ۵۷ ادامه داشت. در این سال‌ها نیز شب‌نامه‌هایی بین‌آحاد مردم پخش شد که آنها را به مقابله در برابر ظلم طاغوت فرا می‌خواند و این نوید را به مردم می‌داد که پیروزی نزدیک است. این شب‌نامه‌ها نیز نوعی از ادبیات پایداری است که در مبارزه بر علیه ظلم و ستم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

ادبیات پایداری سال ۵۷ تا ۵۹ (آغاز انقلاب تا قبل از دفاع مقدس) :

ویژگی‌های ادبیات پایداری در این سال‌ها، به شرح زیر است :

۱ ستایش آزادی و نفرت از طاغوت

۲ ستایش مجاهدان حق جو و ظلم ستیز

- ۳ دعوت به وحدت و پرهیز از تفرقه
- ۴ محکوم کردن استبداد داخلی، پول پرستی و اشرافیت
- ۵ ستایش جهاد و شهادت
- ۶ بهره‌گیری از اساطیر شاهنامه‌ای و چهره‌های حماسی
- ۷ استفاده از عناصر فرهنگی و ارزشی عاشورا
- ۸ مطرح کردن الگوهای تاریخی اسلام مانند: ابوذر غفاری، سلمان فارسی، مالک اشتر و همچنین الگوی مبارز دوره معاصر، مانند: میرزا کوچک خان جنگلی، سید جمال‌الدین اسدآبادی، دکتر علی شریعتی و امام خمینی رحمته‌الله.

ادبیات پایداری در دوران دفاع مقدس:

- ویژگی ادبیات پایداری در این دوران به شرح زیر است:
- ۱ استفاده گسترده از قالبی نیمایی
 - ۲ بهره‌گیری از زبان تصویری
 - ۳ غلبه شعار و رجز بر سایر گونه‌های شعری
 - ۴ بهره‌گیری از آیات و روایات
 - ۵ تلفیق نمادهای ملی مانند: کوروش، کاوه، سیاوش، البرز، دیو، اهریمن و ... و نمادهای دینی و اسلامی مانند: عاشورا، کربلا، ذوالفقار، بدر و ... با یکدیگر ...

ادبیات پایداری پس از دفاع مقدس تا زمان کنونی:

تنها ویژگی بارز این دوره ادبیات پایداری، این است که در این دوره سروده‌هایی به وجود آمد که حالت تردید و ترس در آنها مشهود بود. به این معنا که شاعر، این ترس و اضطراب را داشت که آرمان‌های انقلاب، خون شهدا، مجاهدت‌ها و ... پایمال شود و آرمان‌های دیگری جایگزین آرمان‌های انقلاب شود. بنیان‌گذار این شیوه سلمان هراتی است. این نوع ادبیات پایداری در اشعار شاعران دیگری نظیر: سید حسن حسینی، حمید سبزواری، قیصر امین‌پور و علیرضا قزوه موجود است.

درس هشتم در سایه سار نخل ولایت

محتوا : ویژگی های والای ولایت امام علی (ع)، شعر سپید، سید علی موسوی گرمارودی.

قلمرو فکری

درک و دریافت بندها و بیت های شعر، ارتباط های معنایی با مضمون مشترک در بین سروده های شاعران

قلمرو ادبی

شعر سپید، مراعات نظیر، تشبیه، تلمیح، تشخیص، تضاد، تضمین

قلمرو زبانی

واژگان هم آوا، گروه اسمی، نقش واژگان در جمله، واژگان مشتق — مرکب

هدف های آموزشی

- ۱ آشنایی بیشتر با ویژگی های شخصیتی حضرت علی (ع) (علم)
- ۲ آشنایی با شعر سپید و سید علی موسوی گرمارودی (علم)
- ۳ درک صحیح و خوانش متن درس با لحن مناسب (عمل)
- ۴ تقویت باورنسبت به ویژگی های اعتقادی، زمامداری و روش زندگی امام علی (ع) (ایمان)
- ۵ تقویت رفتارها و هنجارهای دینی و فرهنگی بر پایه آموزه های اسلامی (اخلاق)
- ۶ کاربست آموزه های محتوایی متن درس در حوزه قلمروهای زبانی، ادبی و فکری (عمل).
- ۷ توانایی درک پیام های آموزشی و اخلاقی متن درس (تفکر).

روش تدریس پیشنهادی

- کارایی گروه
- پرسش و پاسخ
- بارش مغزی و ...

رسانه‌های آموزشی: کتاب درسی، نسخه‌ای از کتاب آقای موسوی گرمارودی، نوار صوتی، عکس، فیلم و اسلایدهای مرتبط با رفتارهای امام علی (ع)، بهره‌گیری از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مناسب و ...

جستاری در متن

شعر سپید، شعر منثور یا شعر آزاد، گونه‌ای از شعر نو فارسی است که در دهه ۳۰ شمسی و با مجموعه‌های تازه از احمد شاملو ظهور پیدا کرد. تفاوت عمده این آثار با نمونه‌های قبلی شعر نو در فرم شعر بود. در این سبک عموماً وزن عروضی رعایت نشده ولی آهنگ و موسیقی نمود دارد. در دسته‌بندی شعر نو فارسی، گاهی به هر شعر که در قالب شعر نیمایی نگنجد، شعر سپید می‌گویند. شعر سپید با شاملو آغاز می‌شود. گرمارودی، صفارزاده و احمد رضا احمدی از شاعران سپید هستند.

شعر مشهور «در سایه‌سار نخل ولایت» سروده سال ۱۳۵۶ است. از لحاظ زمانی به عصر پهلوی تعلق دارد و از حیث محتوا از پیشاهنگان شعر انقلاب محسوب می‌شود که زبانی حماسی و روایی دارد و با معنویت پیوند خورده است. در این شعر با گوشه‌ای از شخصیت والای امام علی (ع) و صفات آن امام آشنا می‌شویم. شاعر درک بشری را از دریافت و شناخت شخصیت حضرت، کوتاه و ناقص می‌داند. در این شعر یتیم‌نوازی، عبادت، وقار، شجاعت حضرت به گونه‌ای زیبا وصف شده است. گرمارودی در سرودن شعر سپید توانایی دارد. این شعر، آهنگ دارد اما وزن عروضی ندارد، بی‌قافیه است و از تناسب کلمات در آفرینش موسیقی بهره می‌گیرد. واژه‌ها، ترکیب‌ها و عبارتهایی که نیاز است به آنها بیشتر توجه شود، در پی می‌آید:

سایه سار: اسم مشتق است، «سار» وند است و پسوند مکان / نخل ولایت: تشبیه / ولایت: به معنی مالک امر شدن و تسلط پیدا کردن است و در این شعر، مقصود امامت علی (ع) است.
 آرایه‌ها: تناسب (سایه - نخل)، تشبیه، کنایه (در سایه ... کنایه از حمایت ...)، تلمیح: خجسته باد نام خداوند، نیکوترین آفریدگاران که تو را آفرید / تلمیح به آیه ۱۴ سوره مؤمنون.

از تو در شگفت ... تو را در چشم نمی‌تواند داشت.

من حتی نمی‌توانم از شکوه تو تعجب کنم، زیرا از درک بزرگی تو ناتوانم. مانند مورچه‌ای که از درک عظمت جایی که از آن می‌گذرد، ناتوان است. او نمی‌تواند درک کند که بر خشت خام بی‌ارزش قدم می‌گذارد یا بر دیوار عظیم اهرام. عظمت تو در خیال شکوهمند هم نمی‌گنجد. من مورچه‌ناتوانی هستم که از درک تو عاجزم.

چگونه این چنین که بلند بر ... و در بازار تنگ کوفه ...؟

ای علی (ع) چگونه می‌توانی با این عظمت که تو را بالاتر از همه هستی قرار می‌دهد، این چنین متواضع باشی که پیرزنی را در پختن نان یاری کنی و کودکان یتیم او را بر پشت خود سوار کنی و با آنها بازی کنی و در بازار محقر کوفه در کنار دکان میثم تمار او را در فروش خرما یاری دهی.

زَیْرَ : بالا / ماسوا : آنچه سوای ذات باری تعالی است، همه هستی / مهمیز : ممال مهماز : آلتی فلزی که بر پاشنه چکمه وصل می‌کنند و به وسیله آن اسب را به حرکت و جست‌وخیز درآورند. (نوعی شلاق) / بچگان : بچگ (بچه) + ک + ان (نشانه جمع) / آرایه : تلمیح
پیش از تو، هیچ ... و بردگان را برادر باشد :

ای علی (ع) تو در شکوه همانند اقیانوسی هستی که عمود بر زمین ایستاده است. جز تو فرمانروایی ندیده بودم که کفشی وصله دار به پا کند و مشک آب بر دوش کشد و خود را با محرومان و زیردستان یکسان بداند. خدا : به معنی صاحب و دارنده است و در گذشته به این معنا به کار می‌رفته است. / خانه خدا (صاحب‌خانه)، ناخدا (ناو خدا : صاحب کشتی)

آه ای خدای نیمه شب‌های کوفه تنگ ... حتی ادا مطلع الفجر
ای کسی که حکومت عادلانه تو تنها نقطه روشن تاریخ سراسر سیاهی و ستم است. ای پیشوایی که تجلی عبادت و روح لیلۃ‌القدر هستی.

آرایه تلمیح و تضمین «سوره قدر» را داراست.
شب از چشم تو، آرامش ... و از نفست گل می‌روید :
آرامش شب از وقار چشمان توست و خروش طوفان برگرفته از خشم توست در همان حال که کلام تو به لطافت نسیم است و گیاه را بارور می‌کند. وقتی لب به سخن می‌گشایی از دهانت گل می‌ریزد.
آرایه‌ها : تشبیه، مراعات نظیر.

چاه، از آن زمان که ... کز تبار گلخند تو نیست.
تو در چاه‌های کوفه با خدا راز و نیاز کرده‌ای و غم دل گفته‌ای، از آن است که چاه‌ها در جوش و خروشدند. اگر سپیده سحر به زیبایی طلوع می‌کند از سپیده چشمان توست. شب، در سیاهی چشمان تو نماز می‌گزارد و ستاره‌ها درخشش خود را از نگاه تو دارند. لبخند تو رخصت زندگی است و به ما اجازه حیات می‌دهد. شکوفه‌ها از جنس خنده تو هستند.

چگونه شمشیری ...
آرایه‌ها : تشبیه، استعاره (دریا استعاره از وسعت اندیشه علی (ع) است). تلمیح، کنایه، (پیشانی بلند کنایه از سعادت‌مندی).

آن هنگام که به همراه آفتاب... آیا تاریخ، به تحیر، بر در سرای، خشک و لرزان نمانده بود؟
 آنگاه که صبح به خانهٔ تیم‌های آن بیوه زن رفتی و چون خورشید بر آن خانه تابیدی و تیمان را بر دوش
 گرفتی و با همهٔ هیبت و شکوهت اجازه دادی با تو به بازی و شادی بپردازند و با آنان کودکانه سخن گفتی،
 به راستی تاریخ - که جز ستم و سیاهی از حکمرانان ندیده است - از دیدن این همه تواضع از جانب یک
 فرمانروا، حیرت زده بر خویش نمی‌لرزید؟

صولت: هیبت، شکوه هُرا: آواز مهیب، غریو، نعره.

آرایه‌ها: تشبیه، تلمیح، تشخیص، کنایه (خشک و لرزان: کنایه از ترسیدن، مضطرب شدن)
 عبارت «بر آن شانه، که پیامبر پای نهاد» اشاره دارد به وقتی که پیامبر وارد کعبه شد و حضرت علی علیه السلام
 پای بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله نهاد و بالا رفت تا بت‌ها را سرنگون کند.

در احد/ که گل بوسه... /... بر خود حد زدی؟

در غزوهٔ احد، علی علیه السلام با همهٔ وجود از اسلام و پیامبر دفاع کرد و بیش از هشتاد زخم برداشت. در احکام
 شرعی کسی که شراب بنوشد، حدِّ بر او جاری می‌شود و به او هشتاد تازیانه می‌زند. شاعر امام علی علیه السلام را
 مست شراب حق توصیف می‌کند و هشتاد زخم غزوهٔ احد را تازیانه‌هایی می‌داند که به منزلهٔ حد بر بدن او
 نواخته شده است.

تشبیه: گل بوسهٔ زخم، تنت را دشت شقایق کرده بود، بادهٔ مهر، تازیانهٔ زخم / مراعات نظیر: باده،
 مست، تازیانه، حد / تلمیح دارد.

کدام وام دارترید؟ /... که وام دار تو نیست.

نه تنها اسلام که همهٔ ادیان وجود خود را وام دار علی علیه السلام هستند.

دری که به بیش ما گشوده‌ای... مرحبا به بازوان اندیشه و کردار تو:

نهج البلاغه دری است فرا روی اندیشه و بینش بشر. گشودن این در ارزشمندتر از گشودن در قلعهٔ خیبر
 است. درود بر علی علیه السلام و اندیشهٔ والای او.

تشبیه: باغ بینش. / استعاره (تشخیص): بازوان اندیشه و کردار / تلمیح: خیبری / مرحبا: نام «مرحب»
 پهلوان یهودی قلعهٔ خیبر را به ذهن می‌آورد و نشان دهندهٔ ابتکار شاعر در آفرینش گونه‌ای از ایهام تناسب است.

شعر سپید من، رو سیاه ماند / که در فضای تو، به بی وزنی افتاد / هر چند کلام از تو وزن می‌گیرد:
 یا علی علیه السلام شرمنده از اینم که شعرم نه تنها وزن عروضی ندارد، از ارزش و اعتباری که در خور تو باشد

نیز تهی است. هرچند سخن از تو وزن و ارزش و اعتبار می‌یابد.

آرایه‌ها : ۱) کنایه : روسیاهی کنایه از شرمندگی، ۲) تضاد، ۳) تشخیص : شرمنده شدن شعر سپید، ۴) مراعات نظیر (تناسب) : شعر سپید، بی‌وزنی، کلام، وزن، ۵) حسن تعلیل : شاعر، بی‌وزنی شعر سپید خود را به دلیل بزرگی و عظمت علی (ع) می‌داند. ۶) ایهام : بی‌وزنی به دو معنی ایهام دارد : اول نداشتن وزن شعری، دوم وزن به معنی ارزش و اعتبار.

وسعت تو را، چگونه در سخن تنگ مایه گنجانم؟ / تو را در کدام نقطه باید به پایان برد؟
عرصه سخن من محدودتر از آن است که بتواند توصیف کننده همه عظمت و بزرگی تو باشد، در حیرتم که توصیف تو را با کدام عبارت به پایان برسانم؟ (جز اینکه دایره وار به آغاز سخن بازگردم و بگویم) : فتبارک الله . . .
عبارت پایانی تضمینی است به بخشی از آیه چهاردهم سوره مؤمنون.

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

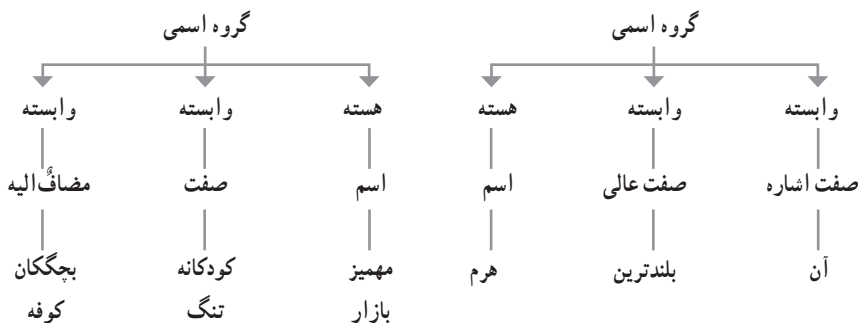
۱) نیست (اولی) : وجود ندارد.

نیست (دومی) : فعل اسنادی (ربطی)

۲) صفت اشاره + صفت عالی + اسم — آن بلندترین هرم

اسم + صفت + مضاف‌الیه — مهمیز کودکانه بجگان، بازار تنگ کوفه

شب‌های پیوسته تاریخ.



۳ (من) وسعت تو را چگونه در سخن تنگ مایه بگنجانم؟

نهاد (محدوف) مفعول متمم فعل

جمله



۴ راه — مرگب : راهکار، راهبر، راهنما و ...

مشق — مرگب : راهسازی، راهیابی، راهنمایی و ...

قلمرو ادبی

۱ الف) روسیاه ماند : کنایه (سرافکنده، شرمسار، بیچاره و بدبخت شدن).

بی وزنی : ایهام (۱- بی ارزش بودن ۲- وزن عروضی نداشتن)

ب) آهنگ دارد ولی وزن عروضی ندارد؛ طول مصراع‌ها کوتاه و بلند است و قافیه جایگاه مشخصی ندارد.

۲ باغ بینش : تشبیه / درگشودن به روی کسی : کنایه.

هزار بار خیبری تراست : تلمیح به جنگ خیبر

بازوان اندیشه و کردار : تشخیص

مرحبا : ایهام تناسب

۳ سپید و سیاه — سحر و شب — سپیده و سیاهی، بلندترین و کوچک ترین و ...

۴ فتبارک الله، تبارک الله / تبارک الله احسن الخالقین (سوره بقره، آیه ۲۰)؛ ای روشن خدا / در

شب‌های پیوسته تاریخ / ای روح لیلۃ‌القدر حتی مطلع الفجر.

قلمرو فکری

۱ صفحه ۶۴، بند پایانی (هنگام که مهتاب آفتاب/ به خانه یتیم‌کان بیوه زنی تابیدی/ و صولت حیدری

را....)

۲ بیت «ای چشم عقل، خیره در اوصاف روی تو ..»، با این قسمت از سروده گرامرودی ارتباط

مفهومی دارد :

«و من کوچک‌ترین مور/ که بلندای تو را در چشم نمی‌تواند داشت».

بیت «و به داد و دهش گیتی آباددار.....» نیز با بخش‌های زیر مرتبط است :

■ «هیچ فرمانروا ندیده بودم/ که پای افزار وصله دار به پا کند/ و مشکی کهنه بر دوش کشد/ و بندگان را بردار باشد».

«و صولت حیدری را / دست مایه شادی کودکانه‌شان کردی/ و بر آن شانه که پیامبر پا ننهاد/ کودکان را نشاندی»

چگونه این چنین که بلند / بر زَبَرِ ما سوا ایستاده‌ای.....

۲ شهریار در این شعر، امام علی علیه السلام را با صفاتی همچون موارد زیر مدح نموده است :

«بخشنده، مایه سعادت و رحمت، شفیع روز قیامت، بلاگردان، وفادار، ایثارگر،»

گنج حکمت: دیوار عدل

برای آگاهی از زندگی‌نامه و شیوه نگارش کتاب «سیاست‌نامه» به فصل دوم (ادبیات سفر و زندگی)، گنج حکمت درس چهارم (سگ و گرگ) مراجعه کنید.

درس نهم

غرش شیران

نمایه درس

محتوا : پایداری در برابر بیدادگری و تجاوز به میهن، قصیده، سیف فرغانی، ناپایداری ستم

قلمرو معنایی

معنی و مفهوم شعر و ترکیب‌های
واژگانی، ارتباط‌های معنایی آیات
و احادیث با ابیات متن درس

قلمرو ادبی

ردیف، قافیه، مراعات نظیر،
کنایه، مجاز

قلمرو زبانی

جمع بستن املائی، تفاوت معنایی
در یک واژه، رابطه‌های واژگانی،
واژگان

هدف‌های آموزشی

- ۱ باور مفهوم امیدواری و مقاومت، دوری از یأس و ناامیدی و توکل به خداوند (ایمان)
- ۲ آشنایی بیشتر با ادب پایداری و سیف فرغانی (علم)
- ۳ خودداری از نگرش منفی نسبت به ناپایداری و سختی‌های زندگی (اخلاق)
- ۴ توانایی خوانش متن درس با لحن و آهنگ مناسب (عمل)
- ۵ تقویت مهارت دریافت پیام و تحلیل شعر و نکته‌های کلیدی متن (تفکر)
- ۶ کاربست آموزه‌های محتوایی متن درس در حوزه قلمروهای زبانی، ادبی و فکری (عمل)

روش‌های تدریس پیشنهادی

- کارایی گروه
- روش بحث گروهی
- روش قضاوت عملکرد و ...

رسانه‌های آموزشی : کتاب درسی، نسخه‌ای از دیوان سیف فرغانی، نوار صوتی، عکس، فیلم و اسلایدهای مرتبط با سرنگونی بیدادگران و ستمگران در برابر ظلم ستیزان، بهره‌گیری از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مناسب و ...

جستاری در متن

شعرهای سیف که شاید بیشتر متمایل به آنهاست، عادتاً وقف بر موعظه‌ها و انتقادهای اجتماعی و بیان حقیقت‌های عرفانی است و به شاعران دیگر نیز سفارش می‌کند که از مدیحه‌گویی پرهیز کنند و قناعت پیشه کنند یا طبع خود را به غزل‌گویی و ستایش معشوق و یا وعظ و اندرز بگمارند.

بیان نقیصه‌های اجتماعی و برشمردن زشتی‌ها و پلیدی‌های طبقه فاسد جامعه، در اشعار سیف دیده می‌شود. این نقدهای صریح و جدی، خالی از هزل و مطایبه است. سیف از قدیمی‌ترین سخنورانی است که در مرتبه شهیدان کربلا شعر گفته است. قصیده «شما نیز بگذرد»، یکی از معروف‌ترین واکنش‌های اجتماعی اوست که در زمان حمله مغول‌ها به ایران سروده شده است :

۱ هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد هم رونق زمان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی و ادبی : جهان : مجاز از زندگی، هستی / قافیه : جهان و زمان / ردیف : شما نیز بگذرد.
قلمرو فکری : مرگ به سراغ شما نیز خواهد آمد / رواج و گرمی بازار شما نیز به پایان خواهد رسید.

۲ وین بومِ محنت از بی آن تا کند خراب بر دولت آشیانِ شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی و ادبی : بوم محنت : تشبیه / دولت آشیان : آشیان دولت.
لغت : بوم. جغد / محنت : رنج / از بی : به خاطر / دولت آشیان : دولت سرا، آشیانه خوشبختی.
قلمرو فکری : محنت و سختی، جغد شوم و ویرانگری است که به ما بسنده نمی‌کند، شما را نیز خانه خراب خواهد کرد.

۳ آبِ اجل که هست گلوگیرِ خاص و عام بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی و ادبی : آب اجل : تشبیه (اجل = مشبه + آب = مشبه به) / مراعات نظیر : گلوگیر، حلق و دهان / لغت : اجل. مرگ / خاص و عام : همه مردم.
قلمرو فکری : مرگ که مثل آب، گلولی همه طبقات مردم را می‌گیرد / شما را نیز فرا خواهد گرفت. (شما نیز روزی خواهید مرد).

۴ چون داد عادلان به جهان در، بقا نکرد بیداد ظالمان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی و ادبی : چون : پیوند وابسته ساز / به + در = دو حرف اضافه برای یک متمم (جهان) / لغت : داد : عدالت، دادگری / به جهان در : در جهان / بیداد : ظلم
قلمرو فکری : وقتی دادگری دادگران در جهان نماند / [مطمئن باشید] ظلم و بیداد ظالمانی مثل شما نیز روزی تمام خواهد شد.

۵ در مملکت چو غُرش شیران گذشت و رفت این عوعو سگان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی و ادبی : شیران : استعاره از شجاعان / سگان : استعاره از افراد پست و فرومایه .
قلمرو فکری : وقتی بانگ و خروش افراد شجاع و شیرصفت به پایان رسید / [مطمئن باشید] این صدای بی‌مقدار افراد پستِ سگ صفتی مثل شما نیز روزی به پایان خواهد رسید.

۶ بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت هم بر چراغدانِ شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی و ادبی : باد : استعاره از مرگ / شمع : استعاره از انسان‌های بزرگ، انسان‌هایی که مثل شمع با نورشان وسیله هدایت دیگران می‌شوند. / چراغدان : استعاره از افراد کم‌مایه و به ظاهر قدرتمند / لغت : چراغدان : جای چراغ.
قلمرو فکری : در گذر روزگار مرگ همچون باد، شمع وجود انسان‌های زیادی را خاموش کرده است / این بادِ مرگ، چراغ زندگی شما را نیز خاموش خواهد کرد.

۷ زین کاروانِ سرای بسی کاروان گذشت ناچار کاروانِ شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی و ادبی : کاروانِ سرای : استعاره از دنیا. لغت : کاروان سرا : کاروان خانه، محلّ اقامت موقتی قافله که در مسیر راه‌ها وجود داشت.
قلمرو فکری : از این دنیا که مثل کاروان سرا محلّ اقامت موقتی است، انسان‌های زیادی گذشته‌اند (مرده‌اند) / به ناچار کاروان عمر شما نیز روزی از این دنیا خواهد گذشت. (شما نیز برای همیشه در این دنیا نمی‌مانید و روزی خواهید مرد.)

۸ ای مفتخر به طالع مسعود خوشتن تأثیر اختران شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی و ادبی : خوشتن : ضمیر مشترک / تأثیر اختران : قدما اعتقاد داشتند که ستارگان در تعیین سرنوشت انسان دخالت دارد، مراعات نظیر : طالع، اختر، مسعود. لغت : مفتخر : افتخارکننده / طالع : بخت و اقبال، برآینده / مسعود : با سعادت / اختران : ستارگان.

قلمرو فکری : ای کسی که به بخت و اقبال باسعادت خود می نازی / این خوشبختی شمانیز روزی به پایان خواهد رسید.

۹ بر تیرِ جور تان ز تحمّل سپر کنیم تا سختی کمانِ شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی و ادبی : تیر جور : تشبیه / تحمّل (مشبهه) + سپر (مشبهه به) لغت : جور : ستم . / سختی کمان : قدرت.

قلمرو فکری : ما از صبر و تحمّل در برابر تیر ستم شما سپر می سازیم و از خودمان دفاع می کنیم / تا زمانی که دوران قدرت شما نیز به پایان برسد.

۱۰ ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع این گرگی شبان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی و ادبی : شبان : استعاره از حاکمان / رمه : استعاره از مردم . / گرگ و رمه و شبان و چوپان : مراعات نظیر / لغت : شبان : چوپان / گرگ طبع : درنده خو .

قلمرو فکری : ای کسی که (ای پادشاه) مردم را به حاکمانِ گرگ صفت سپرده ای / این گرگ صفتی حاکمان شما نیز روزی به پایان خواهد رسید (این حاکمان ظالم شما نیز روزی خواهند مرد).

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱ محنت، اجل، خاص، عام، غزش، عوعو، مفتخر، طالع، مسعود، طبع و

۲ بیت اوّل : کشت : بیقرار و درمانده کرد

بیت دوم : کشت : خاموش کرد.

۳ طبع — مترادف : نهاد، ذات، سرشت

هم خانواده : طبایع، طبیعت، مطبوع.

بقا — مترادف : دوام، پایدار ماندن.

هم خانواده : بقیه، باقی.

قلمرو فکری

۱ رنج و سختی، جغد شوم و ویرانگری است که خانه اقبال شما را نیز ویران خواهد کرد.

۲ رمه : رعیت، مردم زیر دست

۳ چوپان گرگ طبع : حاکم و عامل درنده خوی و ظالم

۴ گرگی شبان : ستم پیشگی حاکم

۳ الدهرُ یومانِ یومٌ لک و یومٌ علیک :

■ ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن تأثیر اختران شما نیز بگذرد.

■ «کل نفس ذائقة الموت» :

■ آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد.

■ بادی که در زمانه بسی شمعها بکشت هم بر چراغدان شما نیز بگذرد.

■ زین کاروان سرا بسی کاروان گذشت هم بر چراغدان شما نیز بگذرد.

۴ چون داد عالمان به جهان در بقا نکرد بیداد ظالمان شما نیز بگذرد.

آگاهی‌های فرامنتی

سیف فرغانی از شاعران ایرانی قرن هفتم و هشتم هجری و از فرغانهٔ ماوراءالنهر بود که در دورهٔ سلطهٔ ایلخانان و مغولان در آسیای صغیر می‌زیست. وی در حالی که نزدیک به هشتاد سال داشت در سال ۷۴۹ هجری و در یکی از خانقاه‌های آقسرا وفات یافت.

موضوع قصیده‌های سیف فرغانی که معرّف مهارت او در سخن پارسی است، غالباً حمد خدا، نعت پیامبر اسلام و وعظ و اندرز و تحقیق و انتقاد از نابسامانی‌های زمان و نیز در استقبال و جواب‌گویی به استادان مقدّم بر خود چون رودکی و خاقانی و کمال‌الدین اسمعیل و سعدی و همام تبریزی است؛ خود سیف نیز اعتقاد داشت که شاعر استاد کسی است که بتواند از عهدهٔ نظیرگویی شاعران پیش از خود برآید. سیف تنها یکبار به مدح شاهان پرداخت و آن قصیده‌ای در ستایش غازان‌خان، ایلخان مغول بود که به اسلام گروید و این آیین را در قلمرو ایلخانی گسترش داد. وی در قالب‌های قصیده، قطعه، رباعی و غزل، شعر سروده است که از ۱۲ هزار بیت بیشتر است؛ در قصیده‌های خود ردیف‌های دشوار را برمی‌گزید و در ترکیبات و مفردات از وارد کردن آثار لهجهٔ محلی ابا نداشت.

وی در سخن از سبک خراسانی در قرن ششم هجری متأثر بود و به همین دلیل بود که وی را به سرزمین فرغانه و ولایت سمرقند منتسب می‌داشتند. کلام او ساده و روان است، و در آن واژه‌های عربی کم به کار رفته است؛ هر چند گاه ترکیب‌های عربی را با ترکیب‌های فارسی در بعضی از شعرهای خود درهم آمیخته، و گاه نیز حتی یک مصراع را تماماً عربی آورده است.

سیف فرغانی نسبت به سعدی ارادت تمام داشت و او را استاد سخن می‌نامید و با آن استاد بزرگ، نوشت و خواند داشته است.

شعر خوانی: باز این چه شورش است



کمال‌الدین علی محتشم کاشانی دارای لقب شمس الشعرای کاشانی، شاعر ایرانی در آغاز سده ده هجری و در دوره پادشاهی شاه طهماسب صفوی در کاشان زاده شد، بیشتر دوران زندگی خود را در این شهر گذراند و در همین شهر هم در ربیع‌الاول سال ۹۹۶ هجری درگذشت. نام پدرش خواجه میراحمد بود. کمال‌الدین در نوجوانی به مطالعه علوم دینی و ادبی معمول زمان خود پرداخت و اشعار شاعران گذشته ایران را به دقت مورد بررسی قرارداد. شعرهای او درباره رنج و درد امامان شیعه است. مطلع «باز این چه شورش است...» که از محتشم کاشانی تراقی است، در میان هواداران شیعه جایگاه ویژه‌ای دارد. شاعران بسیاری پس از محتشم تاکنون از ترکیب‌بند یاد شده در شعرها و نوحه‌هایشان سود برده‌اند. وی با سرودن دوازده بند در مرثیه کشتگان کربلا که بند اول ترکیب‌بند وی با بیت :

باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟

آغاز می‌شود، مقام والایی در مرثیه سرایی کسب کرد.

محتشم ابتدا شاعری قصیده‌پرداز و مدیحه‌سرا بود، با سرودن ترکیب‌بند معروف عاشورایی خویش خورشید درخشان آسمان مرثیه‌سرایی گردید تا جایی که شاعران صاحب ذوقی چون «صباحی بیدگلی»، «وصال‌شیرازی» و «میرزا محمود فدایی» که طولانی‌ترین ترکیب‌بند عاشورایی ادب‌فارسی را در بیش از چهار هزار بیت سروده است، از سبک او پیروی کرده‌اند.

وی در جوانی به دربار شاه طهماسب صفوی راه یافت و به مناسبت قصیده و غزل‌های زیبایش مورد لطف شاه قرار گرفت؛ محتشم پس از مدتی در زمره شعرای معروف عصر خود جای گرفت ولی نظر به اعتقادات دینی خود و احساسات شیعی دربار شاهان صفوی که در صدد تقویت این مذهب بودند، به سرایش

اشعار مذهبی و مصایب اهل بیت که در نوع خود تازه و بی بدیل بود، پرداخت. محتشم پس از چندی به یکی از بزرگ‌ترین شعرای ایران در سبک اشعار مذهبی و مصایب ائمه اطهار شیعه بدل گشت و اشعارش در سرتاسر ایران معروفیت خاصی یافت، به طوری که می‌توان وی را معروف‌ترین شاعر مرثیه‌گوی ایران دانست که برای اولین بار سبک جدیدی در سرودن اشعار مذهبی به وجود آورد. اولین اشعار مذهبی محتشم در سوگ غم مرگ برادرش بود که ابیات زیبایی در غم هجر او سرود و پس از آن به سرایش مرثیه‌هایی در واقعه جانسوز کربلا، عاشورای حسینی و مصیبت‌نامه‌های مختلف پرداخت.

«محتشم» در دوازده‌بند خود واقعه کربلا را به قیامتی مانند کرده است که بدون آنکه اسرافیل در صور بدمد، قیامتی به پا می‌شود. او چون بر احادیث اسلامی احاطه کامل دارد، حالت‌های پدیدار شدن قیامت را شرح می‌دهد «آفتاب از مشرق طلوع می‌کند و در تمام عالم شور قیامت پدید می‌آید و زلزله بزرگی در زمین رخ می‌دهد».

محتشم در کاشان درگذشت و آرامگاه وی در این شهر – واقع در محله محتشم – زیارتگاه عموم است. یکی از اقدامات ارزشمند اخیر مسئولان فرهنگی کاشان در معرفی این شاعر پر آوازه، برگزاری نخستین جایزه ادبی محتشم کاشانی است.

مجموعه آثار این شاعر بزرگ عصر صفوی، پس از مرگ او، توسط یکی از شاگردانش در شش کتاب جمع شد، که مشتمل بر غزلیات، قصاید، قطعات، رباعیات، مثنویات و ترکیب بندهای وی است.